

یادداشت

علل و انگیزه‌های نفرت پراکنی تازه علی‌اف



احسان موحدیان

کارشناس مسائل بین الملل

الهام علی‌اف سه شنبه شب اظهارات تندی علیه ایران و ارمنستان داشت که در وهله اول نه تنها تهدیدی برای حاکمیت ارمنستان بلکه تهدیدی نظامی و امنیتی علیه موجودیت و ادامه حیات ارمنستان محسوب می‌شود. صحبت‌های وی نشان‌دهنده برنامه جدی علی‌اف برای نابودی جمهوری ارمنستان است و علی‌اف برای اشغال این کشور و ایجاد دالان تورانی ناتو لحظه‌شماری می‌کند. از دلایلی که باعث این مواضع گستاخانه‌علی‌اف شده، این است که با توجه به تحولات منطقه و اتفاقاتی که در سوریه رخ داده، و همین‌طور آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا و با توجه به شرایط اقتصادی ایران که خیلی مطلوب نیست، علی‌اف در این توهم است که فضای برای تعقیب جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای وی ایجاد شده است. در واقع او تصور می‌کند که چون در سوریه شرایط محور مقاومت فعلاً مثل سابق مطلوب نیست، او می‌تواند با فشار بر ایران، این کشور را از موضع سرسختانه و قاطع در قبال کریدور زنگرور بازدارد. از طرفی او می‌خواهد باکو را در برابر چشم ترامپ کشور مهمی جلوه دهد. کشوری که می‌تواند انرژی گاز و برق مورد نیاز غرب را تامین کند و می‌تواند علیه ایران و روسیه اقدام کند. البته محاسبات و اشتباه است، زیرا نه ایران در موضع ضعف قرار دارد و ایران قاطعانه از حقوق و منافع خود دفاع خواهد کرد و از طرفی باید توجه داشت که ترامپ علاقه مند است که گاز اروپا را با منابع آمریکایی تامین کند. لذا ترامپ دوست ندارد این منافع و سودی کلان را به آذربایجان واگذارد؛ همان‌طور که نمی‌خواهد این بازار را به روسیه واگذارد. در واقع این اقدام علی‌اف که گاز تحریم شده روسیه را در بازارهای جهانی به فروش می‌رساند اقدامی است که ترامپ آن را نخواهد پذیرفت و علیه وی وارد عمل خواهد شد، و محاسبات علیف در این زمینه کاملاً اشتباه است. از طرفی او تصور می‌کند که می‌تواند بعد از سال‌ها سرمایه‌گذاری در ایران تنش قومیتی ایجاد کند تا ایران نسبت به تحولات قفقاز دچار حواس پرتی شود، این هم یک تصور خام است و همبستگی ملی اخیر در ماجرای کامیون‌داران گرفتار در مرز پلدشت و بازرگان نشان داد تبلیغات در مورد آذری‌های عزیز تا چه حد دور از واقعیت است و صدای مظلومیت این بخش از مردم ایران تا چه حد شنیده باقی مانده است. به هر حال نکته‌ای که وجود دارد این است که علی‌اف همیشه دست پیش می‌گیرد که پس نیفتد. او می‌داند که در ایران پرورنده‌های باز یزادی در مورد عملکرد او وجود دارد که این پرورنده‌ها باید یک به یک رسیدگی شوند. او می‌داند که ایرانی‌ها غرور ملی بی‌نظیری دارند، و این مسئله که در رسانه‌های رسمی دولت علی‌اف، توهمین‌های گسترده‌ای به ایران و سنن و فرهنگ و مفاخر و مذهب و تمدن ایرانی شده و برای هویت‌سازی جعلی ضد ایرانی و ضد شیعی تلاش می‌شود، عامل خشم و ناراحتی ایرانی‌ها شده است. علی‌اف کاملاً آگاه است که در اذهان بسیاری از ایرانیان رویدادهای پس از دیدار شهید آیت‌...، رئیسی و رفتارهای بعدی علی‌اف که نه در مراسم تکریم و تشییع ایشان و نه در مراسم تحلیف رئیس جمهوری جدید شرکت نکرد، رنج‌بدگی، خشم و ابهام را نزد ایرانی‌ها تشدید کرده و با فرار به جلو تلاش دارد، این وقایع را به حاشیه براند. او تلاش می‌کند صحبت‌هایی را علیه ایران و مقامات ایرانی مطرح کند تا فرصتی برای طرح این مطالبات ایجاد نشود. توهمین‌های زننده و وی به آیت‌... عاملی، امام جمعه اردبیل که در سال‌های اخیر نقش مهمی در افشای پیوند علی‌اف با صهیونیست‌ها و تکفیری‌ها و نیز مدیریت و هدایت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با قفقاز داشته، با همین هدف انجام می‌شود. از سوی دیگر علی‌اف با پارا از گلیم خود فراتر گذاشته و به صورت غیرمستقیم عزل و مجازات آیت‌... عاملی توسط افکار معظم رهبری و عذرخواهی شخص ایشان را خواستار شده است. بدیهی است که بی‌پاسخ گذاشتن این حد‌گستاخی علی‌اف وی را در آینده دچار توهمات تازه‌ای خواهد کرد و او باید به شکلی مناسب تبعات این گستاخی‌ها را درک کند. او می‌داند که ایران با توجه به پیوند ناگسستنی خود با مردم شمال ارس می‌تواند آنها را از واقعات آگاه کند و علیف در قبال این مسئله نگرانی‌هایی دارد. البته او دچار اشتباهات محاسباتی است. این رفتارها باعث می‌شود تا مردم ایران در قبال نیات علی‌اف در قبال ایران مشکوک شوند و مطالباتی از سوی مردم برای برخورد با هتاک‌های علی‌اف ایجاد شود. این مطالبات مشابه مطالباتی است که غرور و هویت ملی ایرانیان را پس از جنگ چالدران، به رغم شکست ایران از عثمانی، تثبیت و شکوفا کرد. از طرفی علی‌اف می‌داند که ایران در حال برنامه‌ریزی است تا توافق جامعی با روسیه در حوزه‌های مختلف تنظیم کند و نگران این است که در فضای ایجاد شده پس از این توافق، نتواند آنچه غرب از او انتظار دارد را محقق کند و روسیه و ایران را تحت فشار ژئوپلیتیک قرار بدهد. به همین دلیل این مسئله هم برای او حائز اهمیت است و می‌خواهد با این اظهارات فضای ناشی از امضای این توافق را تحت الشعاع قرار دهد. ایران باید در این شرایط بر مواضع اصولی خود به صورت علنی و با صراحت و قاطعیت پافشاری کند و به علیف هشدار دهد که کماکان مخالف ایجاد کریدور جعلی زنگرور است، همچنین ایران باید سیاست سکوت و همال‌پدرانه در برابر گستاخی‌های رسانه‌ای باکو را کنار بگذارد و واقعبینانه در قالب‌های مناسب هنری و رسانه‌ای برای ساکنان شمال ارس و مردم ایران - به خصوص آذری‌های شریف مطرح کند. در این دوده‌و به خصوص ۴ سال اخیر باید ثابت شده که سکوت در برابر حملات رسانه‌ای علی‌اف، روند فعلی را بدتر می‌کند.

زهرا نژاد بهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

طرح انتقال پایتخت

آدرس غلط دادن است



احتمال موفقیت طرح انتقال پایتخت پایین است

و هزینه زیادی دارد

طرح انتقال پایتخت در وضعیت کنونی موضوعیت

ندارد

تمرکز بیش از اندازه در تهران به دلیل ساختار

سیاسی کشور است

یکشنبه ۲۲ • ۱۰ • ۱۴۰۳	سال هشتم شماره ۲۹۰	armanmeli.ir
--------------------------	-----------------------	--------------



آرمان ملی-احسان انصاری: تمرکز بیش از حد مراکز گوناگون در تهران و مشکلات ترافیکی، آلودگی هوا و انواع مسائل دیگر از جمله مشکلات زیرساختی طی ۲ دهه اخیر در تهران سال‌هاست که موجب طرح موضوع انتقال پایتخت شده، در نهایت این مسئله منجر به تصویب قانون امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران در اردیبهشت ماه سال ۹۴ شد. از سال ۹۴ که قانون امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران تصویب شده اراده‌ای از سوی دولت‌های مستقر برای اجرای آن وجود نداشته و شورای ساماندهی تهران و امکان‌سنجی انتقال پایتخت سیاسی و اداری

تشکیل جلسه ن داده است و اگر تشکیل شده هم تصمیمی برای اجرایی شدن قانون گرفته نشده است. با این وجود این موضوع در دولت چهاردهم به صورت جدی تری مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشگران از آغاز مطالعات طرح انتقال پایتخت خبر داده و عارف معاون اول خود را مأمور بررسی این طرح کرده است. این در حالی است که رئیس جمهور معتقد است بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند کشور را در آینده با بحران‌های زیست‌محیطی و مشکلات متعدد دیگر مواجه سازد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این موضوع با دکتر زهرا نژاد بهرام عضو سابق شورای شهر تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

کشور ساکن هستند و مناطق شرقی کشور تراکم جمعیتی کمتری دارد. از سوی دیگر مهاجرت از سمت شرق به غرب کشور نیز امری رایج در سال‌های بعد از انقلاب بوده و دلیل آن هم چیزی نیست جز سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه در مناطق مرکزی و غربی کشور.

در چنین شرایطی چرا مکران به عنوان گزینه جدی انتقال پایتخت مطرح شده است؟

هنگامی که مکران به عنوان گزینه پایتخت مطرح می‌شود بی‌توجهی به جامعه محلی یک مسأله جدی است. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که مناطق دیگر کشور مانند استان هرمزگان و خوزستان نیز در این زمینه دغدغه‌های خود را مطرح می‌کنند. به عنوان مثال استاندار هرمزگان به تازگی اعلام کرده که این استان از این آماجگی برخوردار است که به عنوان مرکز تجاری ایران فعالیت کند و همین وضعیت می‌تواند برای شهر آبادان هم مطرح باشد. به نظر می‌رسد با طرح نام مکران به عنوان پایتخت احتمالی، نوعی رقابت را بین مناطق ساحلی کشور ایجاد کرده‌ایم که نه تنها به نتیجه نخواهد رسید بلکه باعث رقابت‌های بی‌ثمر و بی‌دلیل و تعارض خواهد بود که ممکن است بین مناطق شکل بگیرد. این در حالی است که چالش‌های تهران مانند تراکم جمعیت، بی‌آبی، آلودگی هوا و... همچنان وجود دارد. از سمت غرب است و اگر موانع طبیعی وجود نداشته، چه بسا از سمت شرق نیز تاکنون به دماوند متصل شده بود. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که ما هنوز نتوانسته‌ایم در زمینه توسعه متوازن کشور به خوبی عمل کنیم. این در حالی است که کشورهای مختلف در مناطق خود با سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام داده‌اند جذابیتی ایجاد کرده‌اند. در کشور منطقه پارس جنوبی از این ظرفیت برخوردار بود که به یک منطقه توسعه یافته در زمینه‌های مختلف تبدیل شود. این در حالی است که با توجه به سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در این منطقه صورت گرفت در نهایت این منطقه به جایی برای سکونت تبدیل شود.

اتفاقی که رخ داده این است که ما به جای اینکه مشکلات انباشته شده را در کشور و تهران حل کنیم تا از مهاجرت بی‌رویه به تهران جلوگیری شود، با یک خطای استراتژیک به دنبال انتقال پایتخت هستیم. نکته دیگری که از نظر اخلاقی حائز اهمیت است این است که تهران در ۲۰ سال گذشته به عنوان پایتخت کشور انتخاب شده و در طول همه این سال‌ها از منابع مختلف آن استفاده شده و حتی می‌توان گفت منابع تهران را مصرف کرده‌ایم و در شرایطی که مشکلات کم‌کم خود را نشان می‌دهد، سخن از کنار گذاشتن تهران و یافتن پایتخت جدید مطرح شده است. این کار از نظر اخلاقی درست نیست. تردید نکنید که با این روند این اتفاق برای پایتخت بعدی نیز رخ خواهد داد و پس از استفاده از منابع آن به فکر تغییر آن خواهید افتاد.

در حالی که منابع تهران را مصرف کرده‌ایم و مشکلات کم‌کم خود را نشان می‌دهد، سخن از کنار گذاشتن تهران و یافتن پایتخت جدید مطرح شده که از نظر من اخلاقی نیست

ما به جای اینکه مشکلات انباشته شده را در کشور و تهران حل کنیم تا از مهاجرت بی‌رویه به تهران جلوگیری شود، با یک خطای استراتژیک دنبال انتقال پایتخت هستیم

آنها بر این باور بودند که امکان تحقق این پروژه بسیار کم است و هزینه زیادی دارد. در این زمینه کشورهای مختلفی وجود داشته که دنبال انتقال پایتخت بوده‌اند و هزینه‌های زیادی نیز صرف کرده‌اند. از برزیل گرفته تا اندونزی که با کمک گروه ۲۰ این پروژه را دنبال کرده اما هنوز نتوانسته آن را به پایان برساند. دلایل مختلفی از سوی کشورهای مختلف برای انتقال پایتخت مطرح شده است. به عنوان مثال هنگامی که قزاقستان پایتخت خود را به آستانه منتقل کرد، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این اتفاق رخ داد.

اندونزی نیز که دنبال انتقال پایتخت بوده به دلیل این است که پایتخت این کشور یعنی جاکارتا در معرض فرورفتن زیر آب است. این منطقه به دلیل اینکه مجمع‌الجزایر است از نظر ژئوپلیتیکی و سوق‌الجیشی با چالش‌های مهمی مواجه است. این پروژه برای این کشور بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار هزینه داشته و به دلیل همین هزینه‌های سنگین هنوز نتوانسته‌اند با موفقیت این طرح را اجرایی کنند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد بی‌توجهی به جامعه محلی در کشورهایی بوده که این طرح را اجرایی کرده‌اند که نکته قابل تأملی بوده است. در آلمان نیز پس از اینکه آلمان شرقی و غربی به هم متصل شدند پایتخت از برن به برلین منتقل شد تا بتوانند یک اتحاد سیاسی و اجتماعی را برای شهروندان این کشور به وجود بیاورد. این در حالی است که در گذشته نیز برلین پایتخت آلمان بوده و هنگامی که دو آلمان از هم جدا می‌شوند پایتخت این کشور به برن انتقال پیدا می‌کند. در پاکستان نیز همواره این موضوع مطرح بوده که پایتخت این کشور از اسلام‌آباد به کراچی به عنوان مهم‌ترین شهر این کشور منتقل شود.

برای اینکه یک منطقه به عنوان پایتخت جدید یک کشور انتخاب شود چه ملاحظاتی را در نظر می‌گیرند؟

برای این کار عمدتاً نقاط سوق‌الجیشی و مرکز کشور را در نظر می‌گیرند. به همین دلیل نیز انتقال پایتخت به سواحل از نظر ژئوپلیتیکی و سوق‌الجیشی قابل تأمل است. کشوری مانند ایران که دارای ظرفیت‌های زیادی است، نقاط مختلفی دارد که بتواند به عنوان پایتخت انتخاب شود. به عنوان مثال هنگامی که تهران را به پایتخت پایتخت ایران انتخاب می‌کردند به‌دزمحکم سلسله‌جبال البرز توجه کرده‌اند که از نظر ژئوپلیتیکی اهمیت دارد. اینکه امروز همه مراکز تصمیم‌گیری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی در تهران متمرکز شده به دلیل ساختار سیاسی کشور است.

هنگامی که ساختار سیاسی کشور تمرکزگرا بوده و حاضر نیست منابع خود را در مناطق دیگر توزیع کند، معنایی جز این ندارد که انتقال همه مراکز مهم سیاسی به پایتخت جدید، موجب تمرکز دوباره خواهد شد. در شرایط کنونی بیش از دو سوم جمعیت کشور در مناطق غربی و مرکزی

تلنگر

مواجهه ترامپ و چهارگانه سخت

قدرت اهرم‌های واشنگتن

ماه گذشته، دونالد ترامپ به عنوان شخصیت سال مجله تایم انتخاب شد. «کسی که چه خوب و چه بد، بیش‌ترین تلاش را برای شکل دادن به جهان و سرفصل‌ها در ۱۲ ماه گذشته انجام داد.» هیل مدعی شد؛ این نامگذاری هیچ قضاوتی در مورد اینکه آیا نقش تاریخی او برای جهان خوب یا بد است، ندارد و فقط راوی نتیجه است. این نشریه در ادامه آورد: آدولف هیتلر نیز در سال ۱۹۳۸ به عنوان مرد سال انتخاب شد. در سال ۱۹۹۹، تایم تشخیص داد که زنان نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند و جایزه به شخصیت سال تغییر یافت. ترامپ به زودی دومین دوره چهار ساله خود را به عنوان فرمانده کل قوا آغاز خواهد کرد و در این بازه زمانی فشرده این پتانسیل را خواهد داشت که عنوان شخصیت قرن (احدقل در ربع اول قرن) را به دست آورد.

آزمون دشوار

هیل در ادامه ادعا کرد، با توجه به نیاز برای پاسخگویی به چالش‌های بین‌المللی که امروز از سوی ایران، چین، روسیه و کره شمالی بر ایالات متحده فشار می‌آورد، دور دوم ریاست ترامپ قابل توجه است. اینکه دوره ریاست جمهوری ترامپ به نفع آمریکا و جهان خواهد بود یا به ضرر این بازیگر؛ پاسخ به این سوال به نحوه واکنش او به فعل و انفعال‌های این بازیگران منوط است. به ادعای هیل، مشخص نیست ترامپ فرصتی را که تاریخ برای تغییر جهان در اختیارش قرار داده است، درک خواهد کرد یا از کنارش گذشته و شاهد ادامه روند سقوط به سمت هرج و مرج خواهیم بود. شهرت تاریخی ترامپ با انتخاب‌های استراتژیکی که اکنون انجام می‌دهد تعیین خواهد شد. اگر یک یا چند ساختار سیاسی فوق که مدت‌هاست جهان را تحت تأثیر قرار داده، رفتارشان را تغییر ندهند، جنگ و هرج و مرج آغاز خواهد شد و میراث او را برای همیشه لکه‌دار خواهد کرد. چشم انداز اصلاحات به طور اساسی در بین کشور متفاوت است و هیچ‌یک از نتایج احتمالی با هیچ درجه‌ای از قطعیت قابل پیش‌بینی نیست، اما هر یک می‌توانند تحت تأثیر سیاست محتاطانه ایالات متحده که پاداش‌ها را با مجازات ترکیب می‌کند، قرار بگیرند و در مسیر اصلاحات مهم حرکت کنند. برخی از ناظران هراس دارند که سیاست خارجی ناپایدار آمریکا، به ویژه در مورد افغانستان و اوکراین، تصویری از سردرگمی و ضعف را به نمایش بگذارد؛ گزاره‌ای که دشمنان را قدرتمندتر جلوه دهد. همان‌طور که تاریخ نشان داده محاسبات اشتباه استراتژیک می‌تواند منجر به درگیری بزرگ شود. شیخ جنگ جهانی سوم قبلاً توسط هر دو نامزد ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا به دلایل متفاوت مورد توجه قرار گرفته است. بایدن در فوریه ۲۰۲۲ هشدار داده بود که ولادیمیر پوتین که با موفقیت شرق اوکراین و کریمه را در سال ۲۰۱۴ در دوران دولت اواما و بایدن تصرف کرد، قصد دارد مرحله بعدی تهاجم خود به اوکراین را آغاز کند. وقتی از او پرسیده شد که آیا ایالات متحده با تعریف یک منطقه پرواز ممنوع بر فراز اوکراین مداخله نظامی خواهد کرد، او به سرعت این احتمال را رد و اعلام کرد: «این جنگ جهانی سوم است.» او در طول سه سال بعد نیز هر بار که در این باب مورد پرسش قرار گرفت، این پاسخ را تکرار کرد. ترامپ، به یوه خود، پیش از یک بار بایدن به واسطه حمایت‌های تسلیحاتی‌اش از اوکراین انتقاد کرد و گفت که رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده را به سوی جنگ جهانی سوم هدایت می‌کند.

ایران: چالش جدی

هیل در ادامه یادداشت ادعایی‌اش آورد: تایم با انتخاب ترامپ به عنوان مهم‌ترین فرد جهان برای این دوره، رویکرد سیاست خارجی خود را اینگونه توصیف کرد: «ترامپ متعهد شده به هر آنچه که خارج از مرزها، شرایط داخلی ایالات متحده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، واکنش نشان دهد؛ این گزاره می‌تواند به معنای پایان دادن به وابستگی متحدان سنتی ایالات متحده نیز باشد. به ادعای هیل، ترامپ که مایل است نقش کشور پس از جنگ را به عنوان سنگری در برابر استبداد اصلاح کند، وعده داده که به سیاست خارجی متعهد باشد که ریشه در معامله‌گرایی «اول آمریکا» دارد. برای تحقق این وعده، گزینه‌ای جز واکنش تند واشنگتن به فعل و انفعال‌های رقیبا باقی نخواهد ماند. ترامپ به شدت با توافق هسته‌ای اواما و بایدن مخالفت است و در اولین دوره ریاست جمهوری‌اش به برجام پایان داد. تلاش‌های متزلزل بایدن برای احیای این توافق، قبل از اینکه آخرین میخ بر تابوت برجام زده شود، فرصتی برای نابودی‌اش بود نه اصلاحش. همان‌طور که جان کربی، سخنگوی دولت، مدعی است: «پرزیدنت بایدن به صراحت گفته که ما سعی کرده بودیم این کار را از طریق دیپلماسی انجام دهیم، بدیهی است که این کار جواب نداد، زیرا ایرانی‌ها حاضر به مذاکره نبودند.»